

نوع مقاله: ترویجی

بررسی تطبیقی شجاعت در منابع اسلامی و روان‌شناسی مثبت

M.khoshkharam94@gmail.com

مصطفی خوشخرام رودم‌عجنی / دانشجوی دکتری روان‌شناسی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی
دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۰ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۹

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی مفهوم «شجاعت» در منابع اسلامی، روان‌شناسی مثبت و بررسی تطبیقی آن انجام شده است. یافته‌های پژوهش از طریق بررسی و تبیین منابع اسلامی به صورت «کتابخانه‌ای» جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل شد. مؤلفه‌های «شجاعت» نیز به روش توصیفی - تحلیلی براساس رتبه‌بندی کتب روایی و با استفاده از رتبه «الف» و «ب» استخراج و تبیین گردید. با تتبع در منابع دینی پنج واژه الشجاعه، النجده، صدق‌البأس، الجرأه و قوه‌القلب استخراج و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. پس از بررسی و شناسایی مؤلفه‌ها، شجاعت براساس منابع اسلامی و کتب لغت چنین تعریف می‌شود: شجاعت یک توانایی روانی است که در فرد انگیزه‌ای برای ایستادگی و مقاومت ایجاد کرده و فرد را به اقدام و ورود در نامایمات و دفاع کردن واداشته و او را در برابر دشواری‌ها و تلخی‌های مبارزه، شکیب و پامرد می‌سازد. در قسمت دوم پژوهش، شجاعت در روان‌شناسی مثبت مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت که با بررسی دیدگاه‌های روان‌شناسان مثبت‌نگر و جمع‌بندی اقوال آنها، به این تعریف از شجاعت رسیدیم که: شجاعت در روان‌شناسی مثبت عبارت است از اعمال ارادی میل آگاهانه به خطرپذیری، که به‌عنوان نیروی محرکه، شخص را برای رسیدن به هدف در موقعیت‌های خطرناک و تضادهای بیرونی / درونی پشتیبانی می‌کند؛ هرچند ممکن است هیجان ترس در فرد وجود داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: فضیلت، شجاعت، جرأت، منابع اسلامی، روان‌شناسی مثبت.

مقدمه

ارسطو در چهار قرن پیش از میلاد مسیح، در چارچوب مباحث اخلاقی و فلسفی، شجاعت (courage) را به‌عنوان یک فضیلت مورد مطالعه قرار داد (اسکولر، پارکس، ۲۰۱۴، ص ۱۶۹). شجاعت در تمام ادیان به‌عنوان فضیلت یاد شده و مورد توجه همه ادیان و آئین‌ها بوده، و در سرتاسر جهان مورد تحسین است (سلیگمن، ۱۳۸۹، ص ۱۷۸). شجاعت فضیلتی همه‌جایی است و مختص به یک قوم و فرهنگ خاص نیست و در تمام فرهنگ‌ها یافت می‌شود. به‌عبارت دیگر، این فضیلت را نمی‌شود در یک فرهنگ خاص محدود کرد؛ بنابراین شجاعت در تمام گیتی به‌عنوان یک فضیلت تلقی می‌شود (یانگ، میلیرن، بلگن، ۲۰۰۹، ص ۱۴).

سلیگمن با مطالعه علمی افکار ارسطو، افلاطون، آکوئیناس، آگوستین، تورات و تلمود، کنفوسیوس، بودا، لائوتز، قرآن، بنجامین فرانکلین و لویاتین، شش فضیلت مورد تأکید آنها را استخراج کرد، که یکی از آنها شجاعت است (سلیگمن، ۱۳۸۹، ص ۱۷۲؛ جوزف، ۲۰۱۵، ص ۵۲۳).

این تصور که شجاعت مفهومی بدیهی است و فقط در عرصه کارزار و میدان نبرد استفاده می‌شود، ساده‌انگارانه است؛ بلکه با تأمل می‌توان دریافت که شجاعت فقط از یک رفتار قابل مشاهده تشکیل نشده است؛ بلکه متضمن شناخت‌ها، هیجان‌ها، انگیزش‌ها و اراده‌هایی است که پیرامون آن رفتار شکل می‌گیرد (پترسون و سلیگمن، ۲۰۰۴، ص ۳۶).

در روان‌شناسی، شجاعت به‌عنوان یک سازه روان‌شناختی (psychological construct) مرتبط با نیروی خلاق، که می‌تواند ما را در فعالیتهای مفید اجتماعی یاری دهد، مورد بررسی قرار گرفته است. به‌عبارت دیگر، شجاعت توانایی است که شخص را به سمت جرئت‌پیش‌روی کردن و رویارویی با ناملایمات، ارزش‌های متفاوت، مشکلات و وسوسه‌ها، حرکت می‌دهد (یانگ، میلیرن، بلگن، ۲۰۰۹، ص ۱۴).

بنابراین افراد شجاع دارای ویژگی‌هایی هستند که آنها را از سایر افراد جامعه متمایز می‌کند. این ویژگی‌ها عبارتند از: اول اینکه مسئولیت تمام جنبه‌های ناخوشایند زندگی خود و محیط کارشان را به عهده می‌گیرند (وارل، ۱۳۹۴، ص ۲۰)؛ دوم اینکه در مقابل ناگواری‌ها مقاومت می‌کنند (کنت - اسپونویل، ۲۰۰۱، به نقل از: سلیگمن، ۲۰۰۴، ص ۳۶)؛ سوم اینکه قدرت «نه گفتن» بالایی دارند و به همین دلیل از برخی آسیب‌های اجتماعی مصون می‌مانند (وارل، ۱۳۹۴، ص ۲۵۵)؛ چهارم اینکه، این افراد در میان جامعه و افراد دیگر نظرات و اعتقادات خود را

به صراحت و بدون نفاق بیان می‌کنند (همان، ص ۱۵۴). از سوی دیگر، در روایات اسلامی شجاعت مورد تأکید و تحسین قرار گرفته است. برخی روایات شجاعت را محبوب خداوند دانسته که دوست دارد بندگان آن را داشته باشند، لذا پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: خداوند شجاعت را دوست دارد، اگرچه کشتن ماری باشد (طوسی، ۱۳۷۷، ص ۳۳۱) و در روایتی دیگری امام صادق ﷺ می‌فرماید: خداوند رسولانش را به مکارم اخلاق زینت بخشیده است، خود را بیازماید، اگر در شما وجود دارند، خدا را سپاس گزارید و بدانید که این از خیر است و اگر در شما نباشند از خدا خواهش کنید و به آنها رغبت ورزید و آنها ده مورد می‌باشند که یکی از آنها: شجاعت است (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۱۷۹) و سایر روایاتی که نشانگر اهمیت شجاعت در نزد ائمه دین بوده که کسب آن مورد پسند و تأکید دین می‌باشد (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۵۰؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۴۸۴؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۵۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۱، ص ۲۶۹؛ قضاعی، ۱۳۶۱، ص ۳۶۶).

پیرو تأکید ائمه دین در مورد شجاعت، اندیشمندان اسلامی این مفهوم را (در کتب اخلاقی‌شان) مورد بررسی قرار داده و آن را یکی از اصول و ارکان اخلاق حسنه و ملکه فاضله دانسته‌اند (موسوی خمینی، ۱۳۸۷، ص ۳۹۱) علاوه بر این، بنا بر اتفاق تمام اندیشمندان متأخر و متقدم شجاعت را، در میان حکمت، عفت و عدالت، جزء اصول و پایه فضائل دانسته شده است (طوسی، ۱۴۱۳، ص ۷۲).

بنا بر بررسی‌های نگارنده، پژوهشگران اسلامی، هنوز پژوهش مستقلی درباره سازه شجاعت (تعریف دقیق و بیان مؤلفه‌های آن با استفاده از منابع اسلامی) انجام نداده و به طور کامل به آن نپرداخته‌اند. از این‌رو، این سازه نیازمند بررسی‌های جامع‌تر در حیطه منابع اسلامی می‌باشد. شجاعت در روان‌شناسی مثبت نیر به‌طور مستقل پژوهش نشده است؛ مضاف بر اینکه تا به حال پژوهشی شجاعت را به‌صورت تطبیقی در منابع اسلامی و روان‌شناسی مثبت بررسی نکرده است.

بنابراین تحقیق حاضر علاوه بر مقایسه اجمالی بین شجاعت در منابع اسلامی و روان‌شناسی مثبت، در پی بررسی دو سؤال ذیل است: ۱. مفهوم «شجاعت» در منابع اسلامی چیست؟ ۲. شجاعت در روان‌شناسی مثبت به چه معناست؟

روش پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی است. یافته‌های روان‌شناختی از طریق بررسی و تبیین منابع روان‌شناسی به‌صورت

الف. شجاعت در لغت

برخی لغت‌نامه‌ها شجاعت را به «شدة القلب عندالبأس» معنا کرده‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۱۲؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۱۷۳)؛ به معنای اینکه در هنگام جنگ شخص دارای پُردلی و قوت نفس است. البته می‌توان لغت «البأس» را در اینجا به معنای ترس هم گرفت و چنین گفت که مثلاً فرد در هنگام ترس دارای قوت نفس و پردلی است؛ که در این صورت معنای «البأس» عمومیت پیدا کرده و حیطه‌هایی غیر از جنگ، مانند سخنرانی در یک جمعیت ۱۰ هزار نفری را هم شامل می‌شود. در این صورت می‌گوییم که فرد در مقابل ده هزار انسان با قوت نفس و دلی قوی سخنرانی کرد نیز می‌توان گفت که اگر جنگ را «بأس» نامیده‌اند، به دلیل آن است که در جنگ خوف وجود دارد (عسکری، ۱۴۰۰ق، ص ۱۹۲).

برخی لغت‌نامه‌ها شجاعت را به معنای قوت قلب داشتن در هنگام گرفتاری‌ها می‌دانند و چنین تبیین می‌کنند که مثلاً فلان شخص دارای قوت قلب است و با جرات و پیشگام بودن در جنگ طرف مقابل را خوار گردانده و به ضعف کشاند (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۳۵). می‌توان نتیجه گرفت که شجاعت به معنای قوت قلب داشتن در هنگام بأس (جنگ، خوف، گرفتاری‌ها و...) است؛ همان‌طور که این معنا را برخی اندیشمندان اسلامی در آثارشان مطرح کرده و گفته‌اند ما به کسی شجاع می‌گوییم که در هنگام شداید و گرفتاری‌ها دارای قوت قلب باشد و اینکه شجاعت فقط در میدان نبرد و به زور بازو نیست (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۲۲، ص ۵۶۷)، بلکه شجاعت قوت قلبی است که افراد را در مقابل گرفتاری‌ها و شداید استوار نگه می‌دارد.

با توجه به دو تبیینی که از واژه شجاعت شد، تعریف شجاعت با نگاه لغوی چنین می‌شود: شجاعت توانایی درون / روانی است که باعث می‌گردد شخص با قوت با مشکلات (اعم از جنگ، گرفتاری‌ها، مشکلات و...) روبه‌رو گردد.

ب. شجاعت در متون اسلامی

در این بخش با استفاده از دو روایت، مفهوم شجاعت را بررسی می‌کنیم: از امام حسن مجتبی^ع در مورد شجاعت سؤال شد، که شجاعت چیست؟ حضرت در پاسخ فرمودند: ایستادگی در برابر هم‌اوردان (دست و پنجه‌نرم کردن با حریفان هم‌وزن خود) و شکیبایی به هنگام شنیدن سخن نیش‌دار (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۸۲، ص ۳۵۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۶، ص ۲۴۲).

کتابخانه‌ای تجزیه و تحلیل شده است. محقق در بررسی منابع اسلامی از روش «تحلیل محتوا» استفاده کرده است. رویکرد اساسی در استخراج روایات مبتنی بر معیار «تبه‌بندی» طباطبایی (۱۳۹۰) است. در این معیار، کتاب‌های حدیثی شیعه و سنی در سه گروه درجه‌بندی شده است: اول. کتاب‌های درجه «الف» که کتاب‌های مقبول و قابل اعتماد شیعیان یا اهل سنت است. دوم. کتاب‌های درجه «ب» که آنها نیز بین دو گروه دیگر قرار دارد و برای استناد صلاحیت نسبی دارند؛ سوم کتاب‌های درجه «ج» که از گروه کتاب‌های ضعیف هستند و اعتماد محض به متون آنها، پسندیده نیست و بهتر است به‌منزله مؤید از آنها استفاده شود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ص ۲۵۶-۲۸۶).

برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به شجاعت در منابع اسلامی، تمام مشتقات فعلی (ماضی، مضارع و امر) و اسمی (اسم فاعل، اسم مفعول، صفت مشبیه، اسم مبالغه و اسم تفضیل) با «ال» و بدون آن استخراج شده است. بنای تحلیل مفهوم اصطلاحی، تعریف و شناسایی مؤلفه‌های «شجاعت» کتب روایی «الف» و «ب» بوده است و از روایات رتبه «ج» تنها به‌عنوان مؤید استفاده شده است. در نهایت روایات مرتبط با پژوهش انتخاب گردید و برای استخراج مفهوم و مؤلفه‌ها، توصیف و تجزیه تحلیل شدند.

۱. شجاعت در منابع اسلامی

برای لغت شجاعت در زبان عربی واژه‌هایی وضع شده که هر کدام نسبت به دیگری تفاوت‌هایی، هم از حیث شیوع در استعمال و هم از حیث معنا با یکدیگر، دارند. با بررسی منابع اسلامی، به پنج مفهوم می‌توان دست یافت که در فرایند مفهوم‌شناسی شجاعت در منابع اسلامی می‌توانند مورد بررسی قرار گیرند. مفاهیم پنج‌گانه مذکور عبارت‌اند از: الشجاعه، النَّجْدَه، صِدْقُ البأس، الجُرأه، قوَّة القلب. در ادامه، جهت دستیابی به مفهوم شجاعت در منابع اسلامی، هریک از مفاهیم مذکور از لحاظ لغوی و اصطلاح دینی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند و در نهایت جمع‌بندی ارائه می‌گردد. لذا به این منظور واژه‌هایی که نسبت به دیگر لغات پرکاربردتر هستند، به شرح ذیل مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته‌اند.

۱-۱. الشجاعه

واژه «شجاعه» ابتدا در لغت و از نگاه لغت‌شناسان و سپس در منابع اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

خردمند رفتارهایشان مبتنی بر عقلانیت است و رفتاری همچون ایستادگی نیز بر مبنای خردمندی و منطقی است.

در قسمت دوم این روایت امام از واژه «وَالصَّبْرُ عِنْدَ الطَّعَانِ» استفاده کرده است، که به معنای شکیبایی ورزیدن در مقابل سخنان نیش‌دار دیگران است. البته در روایت دوم، امام از شجاعت چنین تعبیر می‌کنند که «شجاعت ساعتی صبر کردن است». امام^ع در این مورد شکیبایی کردن را مقید به چیز دیگری نکرده است، که این نکته قابل توجه است؛ زیرا امام^ع یکی از مؤلفه‌های شجاعت را «صبر» در نظر گرفته‌اند که این صبر می‌تواند در مقابل طعنه‌های دیگران یا مواردی دیگر باشد.

با توجه به این دو روایت فوق، می‌توان برای شجاعت دو مؤلفه اساسی را بیان کرد: اولین مؤلفه، ایستادگی و مقاومت (مُؤَاقَفَةُ الْأَقْرَانِ) و دومین مؤلفه، شکیبایی (وَالصَّبْرُ عِنْدَ الطَّعَانِ / صَبْرٌ سَاعَةً) است.

اما در روایت سوم، از شجاعت به «غریزه شریفه» تعبیر شده است. در تبیین غریزه چنین می‌توان گفت؛ خاصیتی که در همه موجودات جامد یا نامی [لیکن بدون روح حیوانی] وجود دارد، «طبیعت» نامیده می‌شود؛ اما خاصیت‌های ویژه همه حیوانات، از جمله بُعد حیوانی انسان «غریزه» نام دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۴۰۱)؛ مانند غریزه حبّ جاه که برخی افراد در ادیان سابق از نسخ شریعت و دین خویش با خبر بودند و آن را خاتمه یافته می‌دیدند؛ لیکن غریزه حبّ جاه و غرض حب منافع و مانند آن، وادارشان می‌کرد که نه تنها حق را نپذیرند، بلکه دیگران را به طور دفع یا به صورت رفع از حق منحرف کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۴، ص ۵۵۹). همانند غریزه مال دوستی؛ چون پروردگار انسان را با غریزه مال دوستی آفریده است و در دنیا بدون مال، زندگی ممکن نیست و حبّ مال در غالب افراد انسان وجود دارد (همان، ج ۹، ص ۱۰۹). در روایت فوق از شجاعت به غریزه تعبیر شده است، که با توجه به آنچه گذشت، می‌توان گفت که شجاعت یک ویژگی همگانی است که در وجود همه انسان‌ها یافت می‌شود. علاوه بر اینکه غریزه‌ای الهی است و کسی را که خداوند دوست داشته باشد این فضیلت را در او قرار می‌دهد.

ج. جمع‌بندی

بنا بر آنچه در تعریف شجاعت گذشت، می‌توان گفت که شجاعت توانایی روانی است که به وسیله آن شخص در برابر دیگران (مشکلات، گرفتاری‌ها، ناملایمات، روبه‌رو شدن در میدان جنگ و

امیرمؤمنان علی^ع می‌فرماید: شجاعت، ساعتی صبر کردن است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۱۱؛ جیلانی، ۱۴۲۶ق، ص ۲۱۱). این روایت هرچند در کتب اصیل قبل از سده پنجم هجری مشاهده نشد و لیکن می‌توان از آن در تأیید روایت قبل که در آن امام بر مفهوم صبر تأکید کرده بود استفاده کرد.

امیرمؤمنان علی^ع می‌فرماید: «سخاوت و شجاعت صفات شریفی است که خداوند سبحان آن را در وجود کسانی که دوستشان دارد و آزموده است قرار می‌دهد» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۵۴).

در روایتی که از امام حسن مجتبی^ع نقل شد از عبارت «مُؤَاقَفَةُ الْأَقْرَانِ» استفاده شده است که از دو واژه «مُؤَاقَفَةُ» و «أَقْرَانِ» ترکیب شده است، که این ترکیب نیاز به بررسی بیشتری دارد. لغت مُؤَاقَفَةُ در لغت به معنای ایستادگی در مقابل جنگ و دشمنی است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۳۶۰) و لغت أَقْرَانِ که جمع «قِرْنُ» است به معنای همتا بودن و مثل هم بودن در شجاعت و مبارزه است (ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۵۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۳۳۷). وقتی دو نفر می‌خواهند با یکدیگر مبارزه کنند، اگر این دو از جهت شجاعت و جنگ‌آوری شبیه یکدیگر باشند، در چنین موردی از واژه أَقْرَانِ استفاده می‌شود. با این بیان در مورد تعبیر «مُؤَاقَفَةُ الْأَقْرَانِ» می‌توان به یافته‌های ذیل دست یافت:

- ایستادگی کردن

این ایستادگی در مقابل جنگ و دشمنی صورت می‌پذیرد. با قیاد اقران فهمیده می‌شود که این ایستادگی باید در مقابل افرادی باشد که از حیث شجاعت و دلیری با فرد یکسان هستند.

این ایستادگی بر مبنای یک منطق و روش معقولی است. توضیح اینکه شخص خردمند به خاطر اینکه بر هیجانات خود (همچنین هیجانات منفی)، مانند ترس مسلط است، لذا از هر چیزی نمی‌ترسد و به راحتی تحت تأثیر شرایط و فضای موجود قرار نمی‌گیرد. به همین دلیل افرادی که از خردمندی بالایی برخوردار نیستند و نمی‌توانند موقعیت‌ها و شرایط را به درستی تجزیه و تحلیل کنند، یا می‌ترسند یا اینکه اقدام و واکنش مناسبی را در آن موقعیت نمی‌توانند از خود نشان دهند. امیرمؤمنان علی^ع می‌فرماید: «لَا أَشْجَعُ مِنْ لَيْبٍ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۷۷۳)؛ شجاع‌تر از خردمند، وجود ندارد. از این روایت چنین برداشت می‌شود که افراد

پیکار با دیگران) مقاومت و ایستادگی کرده و در برابر پیامدهای آن (مانند سخن نیش‌دار دیگران) شکیبایی می‌کند.

– النَّجْدَه

ابتدا واژه «النَّجْدَه» از نگاه لغت‌شناسان بررسی، سپس تجزیه و تحلیل آن با نگاه منابع اسلامی ارائه می‌شود.

الف. نجده در لغت

با بررسی لغت‌نامه‌های مختلف، تعابیر مشترکی از مفهوم «نجده» به دست می‌آید که در مجموع می‌توان اینچنین گفت:

«النَّجْدَه» در برخی کتب لغت مترادف با شجاعت معنا شده است و در تعریف آن گفته‌اند که «النَّجْدَه الْبُلُوغُ فِي الْأَمْرِ» (صاحب‌بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۴۹)؛ نجده ورود در کار یا انجام دادن کاری است. در تعریف دیگر گفته شده: «النَّجْدَةُ: الشَّجَاعَةُ وَ هِيَ الْبُلُوغُ فِي الْأَمْرِ الَّذِي يُعْجَزُ عَنْهُ» (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۸۵)؛ نجده وارد شدن در کاری است که (افراد) از انجام آن ناتوان‌اند. در این دو تعریف چند نکته نهفته است:

۱. «النَّجْدَه» با واژه شجاعت مترادف است؛

۲. شجاعت اقدام و ورود در کار است؛

۳. از قید («يُعْجَزُ عَنْهُ» («افراد» از انجام آن ناتوان‌اند) فهمیده می‌شود که اقدام و ورود در کار باید به‌نحوی باشد که به ظاهر، آن کار دارای مشقت و سختی باشد؛ زیرا در راحتی کار، هرکسی می‌تواند آن را انجام دهد و دیگر شجاعت نمی‌خواهد؛ حتی آدم ترسو و بزدل هم بر این کار وارد می‌شود؛

۴. همچنین از قید («يُعْجَزُ عَنْهُ» (افراد) از انجام آن ناتوان‌اند)؛ می‌توان چنین استنباط کرد که حتی شخص شجاع هم ممکن است در ابتدا برای انجام آن کار احساس ناتوانی بکند، ولی با همه اینها بر این عجز غلبه کند و بر آن کار سخت و طاقت‌فرسا وارد شود.

برخی کتب لغت هم علاوه بر اینکه مترادف بودن «النَّجْدَه» و «شجاعت» را قبول کرده‌اند؛ اما اختلافی را در میان اهل لغت در مورد این دو واژه بیان کرده‌اند که برای فهم تفاوت این دو واژه می‌تواند مفید باشد و آن اینکه گروهی گفته‌اند که این دو واژه مترادف یکدیگرند و هیچ فرقی با یکدیگر ندارند و گروهی دیگر تفاوت بین این دو واژه را مثل روز روشن می‌دانند؛ به‌طوری‌که شجاعت نوعی

دلیری است که به سبب آن، شخص وارد بر عرصه‌های پرخطر که احتمال هلاکت در آن وجود دارد، می‌شود و نجده یعنی اینکه شخص در این موقعیت هولناک ثابت‌قدم و پایدار باشد، بدون اینکه از مردن و یا در خطر مرگ قرار گرفتن هراسی داشته باشد، تا اینکه پیروز و یا شهید شود (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۲۷۱). در این تبیین هم چند نکته روشن است که به آن اشاره می‌شود:

۱. این دو واژه مترادف یکدیگرند؛

۲. شجاعت نوعی دلیری است که به سبب آن، شخص وارد بر عرصه‌های پرخطر که احتمال هلاکت در آن وجود دارد، می‌شود و نجده یعنی اینکه شخص در این موقعیت هولناک ثابت‌قدم و پایدار باشد؛ بدون اینکه از مردن و یا در خطر مرگ قرار گرفتن هراسی داشته باشد. البته همان‌طور که در تعریف شجاعت در تبیین اول گفته شد «وارد شدن در کارهای نشدنی»؛ می‌توان فهمید که لازمه ورود در کارهای سخت و مشقت‌زا این است که بعد از ورود در این معرکه یا کار، شخص ثبات قدم و پایداری داشته باشد، وگرنه به‌صرف ورودی که بعد از آن گریز باشد، شجاعت اطلاق نمی‌شود. با نگاه به آنچه گذشت، تعریف «نجده» در لغت این است که نجده همان شجاعت است با این بیان که شخص وارد بر کارهای خطرناک بشود و در انجام آن ثابت قدم بماند.

ب. نجده در متون اسلامی

در مورد واژه نجده از سه امام سؤال شده است که جواب‌هایی تقریباً مشترک با تفاوت‌های جزئی داده شده است که در ذیل به آنها اشاره می‌شود:

امیرمؤمنان علیؑ می‌فرماید: شکیبایی در برابر خشم، نجده است (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۲۶۳).

از امام حسنؑ سؤال شد که «نَجْدَةُ» چیست؟ امامؑ فرمود: دفاع از پناهنده، مقاومت و پایداری در میدان‌ها و اقدام و ورود در نامالایمات (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۸۲، ص ۳۵۱).

امام حسنؑ در روایت دیگر در مورد معنای «نَجْدَةُ» می‌فرماید: نجده آن است که انسان از محرم‌های خود دفاع کند و در هر جایی که نامالایمات وجود داشته باشد پایداری و صبر پیشه کند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴، ص ۹۰).

از امام حسینؑ درباره «نَجْدَةُ» سؤال شد، که امامؑ در جواب فرمودند: نَجْدَةُ قدم نهادن در سختی، شکیبایی ورزیدن در مصیبت و دفاع از برادران است (طبرسی، ۱۳۷۴، ص ۲۳۵).

ج. جمع‌بندی

براساس آنچه گذشت می‌توان نتیجه گرفت که نَجْدَة دارای سه عنصر اصلی است که در روایات فوق توسط ائمه معصومان علیهم‌السلام تبیین شده است و این عناصر عبارت‌اند از:

۱- اقدام و ورود در نامالیقات (جنبه بیرونی دارد)؛

۲- شکیبایی و رزیدن (جنبه درونی دارد)؛

۳- دفاع کردن (ظهور این عنصر در بیرون است).

با توجه به آنچه گذشت با استفاده از منابع اسلامی می‌توان گفت که نَجْدَة عبارت است از وارد شدن در شرایط سخت و شکیبایی و ثبات قدم داشتن در مقابل نامالیقات برای اینکه به دفاع از خود و دیگران پردازد.

الف. جرئت در لغت

در کتب لغت از واژه «جرأت» به سه گونه تعبیر شده است: اول اینکه، جرئت همان شجاعت است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۴)؛ دوم اینکه، جرئت به معنای دلیر شدن بر چیزی و هجوم آوردن بر آن است (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۲۴)؛ و سوم اینکه، جرئت، قوه قلبی است که به شخص برای اقدام کردن و ورود بر نامالیقات انگیزه می‌دهد (عسکری، ۱۴۰۰ق، ص ۱۰۱).

با بررسی لغت جرئت، به سه تبیین مهم می‌توان دست یافت:

۱. جرئت به معنای شجاعت است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۴)؛ که در این صورت جرئت معنای قوت قلب داشتن در مقابل نامالیقات را نیز شامل می‌شود.

۲. جرئت همان شجاعت و به معنای اقدام بر انجام چیزی بدون تأمل و درنگ، و در نهایت جرئت به معنای دلیر شدن بر چیزی و هجوم آوردن بر آن است (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۲۴) که از این تعریف می‌توان چند نکته را به شرح ذیل استخراج کرد: اولاً اقدام کردن بر انجام کار در معنای جرئت گنجانده شده است؛ به این معنا که در جرئت‌ورزی چیزی که در ابتدا شرط این است که شخص وارد بر میدان نبرد، نامالیقات و موارد مشابه آن شود. از این‌رو، سکون و وارد نشدن با جرئت‌ورزی سازگاری ندارد. ثانیاً اقدام در جرئت بدون درنگ و تأمل صورت می‌پذیرد؛ به این معنا که احتیاط بیش از حد و محافظه‌کاری با موضوع جرئت‌ورزی سازگار نیست.

۳. برخی کتب لغت در بیان تفاوت جرئت و شجاعت چنین

از این روایات چنین برمی‌آید که نَجْدَة دارای سه مؤلفه است که با بررسی آنها می‌توان به درک روشن‌تری از مفهوم نَجْدَة دست یافت. اولین مؤلفه اینکه در دو روایت سوم و چهارم تکیه بر انجام دادن و اقدام کردن بر کار شده است (الإقدامُ عَلَی / عند)؛ به این معنا که در نامالیقات و سختی‌ها اقدام بر انجام کار کند، بدون اینکه کار را به خاطر وجود نامالیقات ترک کند.

نکته قابل توجه این است که در دو روایت مذکور از دو حرف «عَلِی» و «عِنْد» استفاده شده است؛ و این امر دارای لطائف و ظرافت‌هایی است؛ از جمله اینکه حرف عَلِی به معنی طلب علو و برتری است. به این معنا که شخص دارای نَجْدَة وارد بر نامالیقات و سختی‌ها می‌شود که بر آنها احاطه داشته باشد و بر نامالیقات تأثیر بگذارد؛ نه اینکه تأثیر بپذیرد و این خود نوعی آمادگی برای ورود به نامالیقات و سختی‌ها را می‌طلبد؛ و در روایت دوم از حرف عِنْد علو و برتری شخص وارد شونده بر نامالیقات استفاده نمی‌شود؛ بلکه صرف ورود بر نامالیقات فهمیده می‌شود.

دومین مؤلفه، صبر کردن است که در چهار روایت بر آن تأکید شده است؛ با این تفاوت که در روایت دوم، مقاومت در میدان‌ها را به‌عنوان مصداق انتخاب می‌کند «الصَّبْرُ فِی الْمَوَاطِنِ» و در روایت چهارم، شکیبایی و رزیدن در مصیبت «الصَّبْرُ عِنْدَ النَّائِبَةِ» را به‌عنوان مصداق صبر بیان می‌کند و در روایت سوم، صبر در هر جایی که نامالیقات و سختی‌ها وجود داشته باشد «و الصَّبْرُ فِی الْمَوَاطِنِ عِنْدَ الْمَكَارِهِ» را توصیه می‌کند و در روایت اول، شکیبایی در برابر خشم «الصَّبْرُ عَنِ الْغَضَبِ نَجْدَة» را به‌عنوان یکی از مصادیق صبر مشخص می‌کند.

سومین مؤلفه دفاع کردن است؛ که در روایت دوم، مصداق دفاع کردن شجاعت دفاع از بی‌پناه و پناهنده «الذَّبُّ عَنِ الْجَارِ» و در روایت چهارم، مصداق شجاعت دفاع از برادران دینی «الذَّبُّ عَنِ الْإِخْوَانِ» است. در روایت سوم، که دفاع از محارم «فَالذَّبُّ عَنِ الْمَحَارِمِ» را به‌عنوان یکی از مصادیق دفاع کردن بیان می‌کند.

با توجه به این روایات می‌توان یک اصل کلی استخراج کرد؛ به این شرح که در موقعیت‌هایی که آمیخته با نامالیقات است، اقدام و عمل کردن را در اولویت قرار دهیم و با وجود نامالیقات از آن کار، که شاید علی‌رغم وجود نامالیقات خیر باشد، دوری نکنیم؛ و اینکه در مقام اجرا و عمل ما نیاز به مقاومت و صبوری برای به سرانجام رسیدن کار داریم؛ در سایه چنین شرایطی می‌توانیم به دفاع از دیگران پردازیم.

گفته‌اند که جرئت قوت قلبی است که به شخص برای اقدام کردن و ورود بر نامالیقات انگیزه می‌دهد و در مقابل، شجاعت نشانگر جرئت شخص است (عسکری، ۱۴۰۰ق، ص ۱۰۱). از این موضوع چند نکته قابل برداشت است؛ اول اینکه جرئت خاستگاه یک انگیزه‌ای درونی است و در مقابل، شجاعت در مقام عمل، دست و پنجه نرم کردن با نامالیقات، در میدان مبارزه و موارد شبیه آن است. دوم اینکه جرئت قوت قلب تلقی شده است؛ به این معنا که نوعی توانایی روانی است که به شخص توانایی این را می‌دهد تا در مقابل نامالیقات بایستد و نکته دیگر اینکه از قید «شجاعت نشانگر جرئت شخص است» به این نکته پی می‌بریم که جرئت قبل از میدان جنگ، نامالیقات و موارد مشابه وجود دارد و لکن آنچه در عمل دیده می‌شود که شخص در حال دست و پنجه نرم کردن در میدان جنگ و نامالیقات است، شجاعت نامیده می‌شود.

که دشمنی کردن گاه در میدان جنگ است و گاهی در میدان‌های دیگری غیر از جنگ، مانند عالم سیاست و در ارتباط با دیگران است که با این تعمیم می‌توان گفت: مُوَأَفَّةٌ به معنای ایستادگی در جنگ و یا میدان‌های غیر از جنگ است.

با قید اقران فهمیده می‌شود که این ایستادگی باید در مقابل افرادی باشد که از حیث شجاعت و دلیری با فرد یکسان هستند.

د. جمع‌بندی

با توجه به معنای لغوی و روایی جرئت می‌توان گفت: جرئت عبارت است از یک توانایی روانی که در فرد انگیزه ایستادگی و مقاومت در مقابل افراد و شرایطی که فرد احساس هم‌وردی با آنها دارد را ایجاد می‌کند.

- صِدْقُ الْبَأْسِ

لغت صدق البأس، پایداری در جنگ را نشان می‌دهد و چون ثبات و پایداری در جنگ یکی از جلوه‌های شجاعت است؛ بنابراین می‌توان گفت که صدق البأس یکی از واژه‌هایی است که به مفهوم شجاعت اشاره دارد. البته همان‌طور که قبلاً اشاره شد، می‌توان لغت «البأس» را در اینجا به معنای خوف و ترس هم گرفت، و چنین گفت که مثلاً فرد در هنگام ترس دارای قوت نفس و پردلی است. در این صورت معنای «البأس» عمومیت پیدا کرده و حیطه‌هایی غیر از جنگ مانند سخنرانی در میان جمعیت را هم شامل می‌شود؛ که در این صورت چنین می‌گوییم که فرد در مقابل ده هزار انسان با قوت نفس و دلی قوی سخنرانی کرد و می‌توان گفت که اگر جنگ را باس نامیده‌اند به دلیل این است که در جنگ هم، خوف وجود دارد (عسکری، ۱۴۰۰ق، ص ۱۹۲).

در جست‌وجوهای انجام‌شده در منابع اسلامی تنها یک روایت پیدا شد که در آن از واژه صدق البأس استفاده شده است، که پایداری در جنگ را نشان می‌دهد (کلینی، ۱۴۲۹ق، ص ۵۵). در این روایت امام صادق ع ضمن برشمردن مکارم دهگانه اخلاق، یکی از مکارم را «صدق البأس» برشمردند که از سیاق روایت برمی‌آید که به معنای پایداری در جنگ و یا سختی‌ها باشد.

از این رو، می‌توان چنین نتیجه گرفت که «صدق البأس» توانایی روانی است که شخص با استفاده از آن در جنگ یا در هر موردی که دارای خوف و ترس باشد، استقامت و پایداری می‌ورزد.

گفته‌اند که جرئت قوت قلبی است که به شخص برای اقدام کردن و ورود بر نامالیقات انگیزه می‌دهد و در مقابل، شجاعت نشانگر جرئت شخص است (عسکری، ۱۴۰۰ق، ص ۱۰۱). از این موضوع چند نکته قابل برداشت است؛ اول اینکه جرئت خاستگاه یک انگیزه‌ای درونی است و در مقابل، شجاعت در مقام عمل، دست و پنجه نرم کردن با نامالیقات، در میدان مبارزه و موارد شبیه آن است. دوم اینکه جرئت قوت قلب تلقی شده است؛ به این معنا که نوعی توانایی روانی است که به شخص توانایی این را می‌دهد تا در مقابل نامالیقات بایستد و نکته دیگر اینکه از قید «شجاعت نشانگر جرئت شخص است» به این نکته پی می‌بریم که جرئت قبل از میدان جنگ، نامالیقات و موارد مشابه وجود دارد و لکن آنچه در عمل دیده می‌شود که شخص در حال دست و پنجه نرم کردن در میدان جنگ و نامالیقات است، شجاعت نامیده می‌شود.

در جمع‌بندی تعریف لغوی می‌توان گفت که جرئت عبارت است از انگیزه‌ای درونی که به شخص قبل از انجام کار بدون درنگ (نامالیقات، سختی‌ها، میدان نبرد و...) قوت قلب می‌دهد.

ب. جرئت در متون اسلامی

جهت بررسی مفهوم جرئت در منابع اسلامی به روایت امام حسن مجتبی ع اکتفا می‌شود از حضرت در مورد ماهیت جرئت سؤال شد. امام ع فرمود: ایستادگی و دست و پنجه نرم کردن با حریفان هم‌وزن خود است (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲، ص ۳۹۱) و در ادامه راوی از امام ع می‌پرسد که «الْمَنَّةُ: نیرومندی چیست؟ و امام ع در جواب می‌فرماید: سخت نبرد کردن و ستیزه با پرقدرترین انسان هاست (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲، ص ۳۹۱).

با توجه به آنچه در مورد عبارت «مُوَأَفَّةُ الْأَقْرَانِ» در ذیل واژه شجاعت گذشت، چنین می‌توان گفت که وقتی دو نفر می‌خواهند با یکدیگر مبارزه کنند اگر این دو از جهت شجاعت و جنگ‌آوری شبیه یکدیگر باشند، در چنین موردی از واژه اقران استفاده می‌شود.

از این رو، در تحلیل روایت مذکور و در تبیین مفهوم جرئت می‌توان به یافته‌هایی دست یافت:

- ایستادگی کردن

این ایستادگی در مقابل جنگ و دشمنی صورت می‌پذیرد. نکته ظریف در این قسمت می‌تواند قید دشمنی کردن باشد؛ به این تفسیر

قوت القلب

در برخی از روایات مفهوم دیگری به نام «قوت القلب» را می‌توان استخراج کرد که اگرچه هم‌معنای شجاعت نیست؛ اما می‌تواند زمینه ایجاد شجاعت باشد. امیرمؤمنان علی^{علیه السلام} می‌فرماید: ارزش انسان به دو عضو کوچک اوست: قلب او و زبانش. با دل [قوی] به میدان جنگ پا می‌نهد و با زبان به عرصه بیان (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۶۴) تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ (ق، ص ۱۱۸). با توجه به روایات شجاعت و نجده، ایستادگی در جنگ یکی از عناصر شجاعت محسوب می‌شود و با این نگاه می‌توان گفت که قوی دل بودن در جنگ هم یکی از مقدمات ایستادگی در جنگ است کما اینکه امام^{علیه السلام} در این روایت می‌فرماید که انسان با دلی قوی پا به رکاب شده و به مصاف دشمن می‌رود.

البته همان‌گونه که پردلی برای شجاعت امری لازم است، توانمندی جسمانی هم باید باشد. به همین دلیل برخی افراد چون از توانایی جسمانی مناسبی برخوردار نیستند؛ احتمالاً در یک سری میدان‌ها وارد نمی‌شوند و برخی افراد چون توانایی جسمانی خوبی دارند، با اتکا به آن توانایی جسمانی، بر آن میدان‌ها وارد می‌شوند؛ همان‌طور که امیرمؤمنان^{علیه السلام} می‌فرماید: ریشه دلآوری، توانمندی و میوه‌اش، پیروزی است (مجلسی، ۱۴۰۳ (ق، ج ۷۵، ص ۸). البته با توجه به تعریفی که از شجاعت در این مبحث ارائه می‌شود، می‌توان توانمندی در این روایت را به توانمندی در جسم و روان تعمیم داد.

با بررسی مفاهیم پنج‌گانه در مفهوم‌شناسی شجاعت در لغت و متون دینی، نکات ذیل به دست می‌آید که با تحلیل آنها می‌توان به تعریف نسبتاً جامعی از شجاعت دست یافت.

در لغت و روایات، سه مفهوم شجاعت، نجده و جرئت به جای یکدیگر به کار رفته‌اند.

«شکیبایی ورزیدن» و «ایستادگی و مقاومت» مؤلفه‌های شجاعت هستند.

«شکیبایی ورزیدن»، «اقدام و ورود در ناملایمات» و «دفاع کردن»، سه مؤلفه نجده به‌شمار می‌آیند.

«انگیزه ایستادگی و مقاومت» و «توانایی روانی در مقابله با هم‌وردان» مؤلفه‌های جرئت هستند.

«توانایی روانی مقابله» و «استقامت و پایداری» مؤلفه‌های صدق باس هستند.

«نیرومندی دل» یا قوت قلب از لوازم شجاعت است.

بنابراین «شکیبایی ورزیدن» و «ایستادگی و مقاومت» مؤلفه‌های مشترک چهار مفهوم شجاعت، نجده، جرئت و صدق باس هستند و وجود «انگیزه ایستادگی و مقاومت»، «احساس توانایی روانی در مقابله» و «نیرومندی دل» از مقدمات شکل‌گیری شجاعت بوده و «اقدام و ورود در ناملایمات» و «دفاع کردن» جنبه‌های رفتاری و جلوه‌های بیرونی شجاعت تلقی خواهند شد.

می‌توان گفت نیرومندی دل و احساس توانایی روانی در مقابله و مقاومت، در فرد انگیزه ایستادگی و مقاومت ایجاد می‌کند؛ به‌طوری‌که فرد را به اقدام و ورود در ناملایمات و دفاع کردن وامی‌دارد. از آنجا که اقدام در ناملایمات با سختی‌ها و تلخی‌هایی همراه خواهد بود؛ فرد شجاع میدان مبارزه را رها نکرده و در این راه شکیبایی، استقامت و پایداری نشان خواهد داد.

بنابراین باید گفت: شجاعت یک توانمندی مرکب از انگیزه و اقدام است. به عبارت دیگر شجاعت یک توانایی روانی است که در فرد انگیزه‌ای برای ایستادگی و مقاومت ایجاد کرده و فرد را به اقدام و ورود در ناملایمات و دفاع کردن واداشته و او را در برابر دشواری‌ها و تلخی‌های مبارزه شکیبا و توانا می‌سازد.

براساس مباحث فوق، می‌توان عناصر و مؤلفه‌های شجاعت را در دو قلمرو روانی و عملی تقسیم کرد:

۱. قلمرو روانی (ذهنی): انگیزه مقاومت، قوی دل و پردل بودن؛
۲. قلمرو عملی (عینی): اقدام و ورود در ناملایمات، دفاع کردن، ایستادگی و مقاومت.

۲. شجاعت در روان‌شناسی مثبت

در این قسمت به بررسی مفهومی شجاعت از نگاه لغت‌نامه‌های انگلیسی و نگاه اندیشمندان مثبت‌نگر پرداخته می‌شود.

لغت انگلیسی «courage» از لغت فرانسوی «Coeur» مشتق شده که به‌طور تحت‌اللفظی به معنای قلب (heart) است و چون قلب به‌طور عرفی (و استعاره‌ای) به‌عنوان جایگاه هیجانات، روح و توانمندی فضیلت مورد توجه واقع شده است؛ مفهوم این وجه تسمیه اینچنین می‌شود که شجاعت توانایی رویارویی با مشکلات است که فرد علی‌رغم ترس از پیامدهای آنها، با عملکردی ابداعی، آنچه را که نیاز دارد انجام می‌دهد. هم‌معنی «courage» در زبان لاتین «fortitude» و در زبان یونانی «Greek» است که به ترتیب نشانگر توانایی و جوانمردی است (اختر، ۲۰۱۲، ص ۴).

اضطراری نیاز داریم (یانگ، میلین، بلگن، ۲۰۰۹، ص ۱۴).
 ۳. یانگ، میلین و بلگن (۲۰۰۹) مدعی شدند که شجاعت توانایی روانی است که شخص را به سمت جرئت پیشروی کردن حرکت می‌دهد و شخص را برای اینکه با ناملایمات، ارزش‌های متفاوت، مشکلات و وسوسه‌ها روبه‌رو شود یاری می‌دهد (یانگ، میلین، بلگن، ۲۰۰۹، ص ۱۴).

۴. توانمندی هیجانی که عبارت است از: اِعمال اراده تا رسیدن به هدف، علی‌رغم مخالفت‌های بیرونی یا درونی (مگیار - موئی، ۱۳۹۱، ص ۷۱؛ پترسون و سلیگمن، ۲۰۰۴، ص ۱۹۹؛ سلیگمن، ۱۳۸۹، ص ۱۸۸؛ مگیار - موئی، ۱۳۹۲، ص ۷۶؛ جوزف، ۲۰۱۵، ص ۵۲۳).

۵. به عقیده ریچمن (۱۹۸۴)، حقیقت شجاعت، خواستار بودن و توانایی نزدیک شدن به یک موقعیت ترسناک به‌اضافه وجود ترس ذهنی است. در این مورد پاسخ‌های فیزیولوژیکی با ارزیابی وجود ترس یا استرس در یک موقعیت معین و با معلوم شدن اینکه شخص چگونه پاسخ‌های دلیرانه می‌دهد، اندازه‌گیری شده است (لوپز و اشنایدر، ۲۰۰۳، ص ۱۹۰).

در معناشناسی اصطلاحی شجاعت، به پنج تعریف اشاره شد که تعریف اول دارای مؤلفه‌ها و عناصر درخور توجهی است. ابتدا اینکه شجاعت به‌عنوان یک میل آگاهانه تفسیر شده است؛ یعنی شجاعت یک میل و گرایش است که در این گرایش آگاهی و شناخت هم دخیل است. این بدان معناست که شجاعت نه یک میل صرف است که در آن شناخت لحاظ نشود، و نه یک شناخت صرف که در آن میل لحاظ نشود؛ بلکه میلی است که پایه‌های شناختی و مبتنی بر آگاهی دارد. پس در تعریف اول، نکته مهم این است که شجاعت یک گرایش و میل است و این گرایش و میل توأم با آگاهی است و این قید وجود دارد که شجاعت بعد از یک کنکاش متفکرانه انجام می‌شود. انسان شجاع فقط دل را به دریا نمی‌زند؛ بلکه پس از بررسی و تحلیل موقعیت، به‌طور آگاهانه عمل می‌کند؛ که در این صورت پایان شایسته و نیکی در عمل خود خواهد داشت؛ البته ریت و همکارانش در ادامه اینچنین تبیین می‌کنند که این بدین معنا نیست که شخص شجاع همچنان ترس را تجربه نمی‌کند، بلکه ممکن است شخص شجاع در ابتدا از موقعیت حتی یک ترس ذهنی پیدا کند؛ ولی با وجود این، بر ترس خویش غلبه کرده و وارد بر کارزار می‌شود.

در تعریف دوم، آدلر «شجاعت» را میل به خطرپذیری معرفی می‌کند.

فرهنگ لغت لاتگمن courage را مترادف با واژه bravery قرار داده است؛ و از طرفی، متضاد این دو واژه را cowardice قرار داده و در نهایت شجاعت را چنین تعریف می‌کند که دلیر بودن زمانی است که شخص با یک موقعیت سخت و خطرناک روبه‌رو می‌شود و البته در جایی که واژه bravery تعریف می‌شود با قیدی اضافه چنین تعریف شده: فعالیت‌ها، رفتار یا یک نگرشی است که شجاعت و اطمینان را نشان می‌دهد. متضاد این واژه cowardice است که از زبان فرانسوی مشتق شده است؛ که در زمانی که شخص فاقد شجاعت باشد از این واژه استفاده می‌شود و به معنای ترسوئی و بزدلی است (تورنبول، ۲۰۱۰، ص ۳۴۸).

البته در روان‌شناسی مثبت‌نگر متضاد واژه شجاعت و چهار توانمندی که زیرمجموعه آن هستند، مشخص شده است که به‌طور خلاصه در جدول زیر نشان داده شده‌اند (چیکزنت‌میهایلی، ۲۰۰۶، ص ۳۹).

جدول ۱: توانمندی‌ها و متضاد آنها

توانمندی (Strength)	متضاد (Opposite)
دلیری	ترسوئی و بزدلی (cowardice)
پایداری (persistence)	درماندگی (helplessness)
صداقت	فریب‌کاری (deceit)
سرزندگی	دل‌مردگی (lifelessness)

در متون روان‌شناسی برای شجاعت چند تعریف اصطلاحی ارائه شده که در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم:

۱. شجاعت یک فضیلت همه‌جایی است؛ به‌ندرت به معانی حقیقی آن توجه می‌شود. ریت و همکاران، شجاعت را به‌صورت تجربی تعریف کردند: (a) یک میل آگاهانه فعال است (b) بعد از یک کنکاش متفکرانه انجام می‌شود (c) دربردارنده خطر قابل توجه عینی برای عامل است (d) انگیزش اولیه‌ای است، که پایان اصیل و شایسته‌ای را فراهم می‌کند (E) و علاوه بر موارد فوق احتمال وجود هیجان ترس هم هست (ریت، کلارک، لیندزی و استرنبرگ، ۲۰۰۷، ص ۹۵؛ اسکولر، پارکس، ۲۰۱۴، ص ۱۶۸).

۲. آدلر مدعی شده که معنای شجاعت میل به خطرپذیری است؛ حتی زمانی که پیامدها غیرمحمول باشد. این بدین معناست که هریک از ما «توان روان‌شناختی» (psychological muscle) را برای کنار آمدن در سرتاسر طول عمر و زندگی با همیاری و مشارکت با اوضاع

این معنا که شخص ابتدا به یک انگیزش و میل روانی برای شجاعت ورزیدن نیاز دارد و دوم (توانایی) اینکه تنها انگیزه و میل داشتن برای یک شخص کافی نیست؛ بلکه باید از توانایی بدنی برای نزدیک شدن به موقعیت خطرناک برخوردار باشد و سوم (موقعیت ترسناک) اینکه باید یک موقعیت ترسناکی برای این توانایی وجود داشته باشد و در نهایت قید چهارم (وجود ترس ذهنی) این است که شخص علی‌رغم اینکه دارای توانایی و انگیزش بالایی است، ممکن است ترس ذهنی هم نسبت به موقعیت وجود داشته باشد. به این معنا که ممکن است صحنه مبارزه هولناک باشد و فضا به گونه‌ای باشد که شخص در ابتدا یک ترس ذهنی برایش ایجاد شود (ممکن است فضای پیش‌آمده برای شخص پیامدهای خطرناک بدنی، مانند کشته شدن داشته باشد و یا اینکه پیامدهای به‌وجودآمده از سنخ پیامدهای روانی، مانند بدگویی مردم، از دست دادن برخی حقوق اولیه باشد)؛ ولی در نهایت بر این ترس‌ها غلبه می‌کند و به مصادف موقعیت خطرناک می‌رود و خطر را با جان و دل می‌خرد.

در یک جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت: شجاعت در روان‌شناسی مثبت عبارت است از: اعمال ارادی میل آگاهانه به خطرپذیری، که به‌عنوان نیروی محرکه، شخص را برای رسیدن به هدف در موقعیت‌های خطرناک و تضادهای بیرونی / درونی پشتیبانی می‌کند و هرچند ممکن است هیجان ترس در فرد وجود داشته باشد.

نتیجه‌گیری

در بررسی سازه «شجاعت» براساس منابع اسلامی، این پژوهش در پی پاسخ به سه سؤال اصلی بود. مفهوم «شجاعت» در منابع اسلامی، اولین پرسش پژوهش حاضر بود.

پژوهشگران اسلامی تعاریفی از شجاعت ارائه داده‌اند که این مفهوم را به‌طور کامل مطالعه و بررسی نکرده‌اند. بعد از تحلیل‌های روایی، نمایان شد که شجاعت در دو قلمرو روانی و عملی، دارای ۵ مؤلفه ذیل است:

۱. قلمرو روانی (ذهنی): انگیزه مقاومت، قوی‌دل و پردل بودن؛
۲. قلمرو عملی (عینی): اقدام و ورود در نامالایمات، دفاع کردن، ایستادگی و مقاومت.

سازه «شجاعت» در منابع اسلامی با توجه به مؤلفه‌های فوق، عبارت است از: یک توانمندی مرکب از انگیزه و اقدام است.

بنابراین به نظر وی شجاعت از مقوله گرایش است. این گرایش ناظر به خطرهای بیرونی‌ای است که فرد شجاع در موقعیت‌های خطرناک، اقدام به ورود می‌کند. ضمناً قید دیگری را اضافه کرده و شجاعت‌ورزی را از موقعیت‌های خطرناک بدنی به موقعیت‌های غیربدنی، مانند موقعیت‌های استرس‌زا و فشارزا و نظایر آن تعمیم می‌دهد.

تعریف سوم حاوی چند قید است: اول اینکه شجاعت یک توانایی روانی است. این توانایی ممکن است در هرکسی باشد؛ بنابراین ممکن است او نشسته باشد، ولی ما او را فردی شجاع بدانیم، به این اعتبار که این شخص دارای این توانایی روانی است که می‌تواند پیشروی کرده و از نامالایمات هم عبور کند. دوم اینکه شجاعت قوه محرکه انسان است؛ چراکه انسان ترسو ممکن است حتی فرار کند و به‌طرف موقعیت آسیب‌زا حرکت نکند و در نتیجه این ترس، خود و خانواده‌اش را در معرض آسیب قرار دهد. و سوم اینکه شجاعت پشتیبان فرد در مقابله با نامالایمات است (یاری می‌دهد)؛ بدین معنا که فرد شجاع دارای این توانایی روان‌شناختی هست که می‌تواند به سمت مشکلات و نامالایمات حرکت کند و لذا این توانایی حکم پشتیبان و یاری‌گری را برای این شخص دارد.

در چهارمین تعریف چند قید نهفته است: اول (اعمال + اراده)؛ از این قید چنین برداشت می‌شود که صاحبان این تعریف، اراده را در وجود انسان فرض گرفته‌اند؛ به اینکه انسان موجودی دارای اراده است و بعد از آن در تعریف از قید «اعمال» استفاده کرده‌اند. این بدان معناست که انسان (البته اگر فرض بگیریم که فقط انسان دارای اراده است؛ ولی اگر تحقیقات اثبات کند که موجودات دیگر حتی از آنها دارای اراده هستند این تعریف به غیر انسان هم تعمیم پیدا می‌کند) اراده خودش را به‌کار و امی‌دارد. به‌عبارت دیگر می‌توان چنین گفت که شخص اراده را از مرحله گرایش و درونی بودن به مرحله عمل می‌آورد و اراده خود را به کار می‌گیرد. دوم (رسیدن به هدف) اینکه شخص این اراده را برای رسیدن به هدفی به‌کار بسته است. به‌عبارت دیگر اعمال اراده برای رسیدن به یک هدفی صورت پذیرفته است. سوم (تضادهای بیرونی / درونی) حال که شخص اراده خویش را به‌کار بست، در مسیر رسیدن به هدف با موانع و تضادهای برونی و درونی روبه‌رو خواهد شد که البته با این اعمال اراده باید از سد این تضادها عبور کند.

در پنجمین تعریف چهار قید وجود دارد اول (خواستار بودن)، به

گذشت) در دفاع از بی‌پناه، دفاع از برادران دینی و دفاع از محارم معرفی می‌کند.

در نهایت، در تعریف روان‌شناسی مثبت دو مورد وجود دارد که فقدان آنها در تعریف منابع اسلامی از شجاعت دیده می‌شود: اول امکان ترسیدن افراد شجاع؛ شجاع بودن به این معنا نیست که افراد شجاع هیجان ترس را تجربه نمی‌کنند؛ بلکه ممکن است شخص شجاع در ابتدا از موقعیت حتی یک ترس ذهنی پیدا نکند؛ ولی با همه اینها بر ترس خویش غلبه کرده و سپس وارد موقعیت‌های خطرناک یا کارزار شود.

دوم تضادهای درونی: افراد شجاع با به‌کارگیری اراده خویش برای رسیدن به هدف با تضادهای برونی (موانع و مشکلات) و درونی (امیال، ترس‌ها و...) مبارزه می‌کنند.

به‌عبارت دیگر شجاعت یک توانایی روانی است که در فرد انگیزه‌ای برای ایستادگی و مقاومت ایجاد کرده و فرد را به اقدام و ورود در ناملایمات و دفاع کردن واداشته و او را در برابر دشواری‌ها و تلخی‌های مبارزه شکیبیا و پایمرد می‌سازد.

دومین پرسش پژوهش، مفهوم «شجاعت» در روان‌شناسی مثبت بود که عبارت است از: اعمال ارادی میل آگاهانه به خطرپذیری است که به‌عنوان نیروی محرکه شخص را برای رسیدن به هدف در موقعیت‌های خطرناک و تضادهای بیرونی / درونی پشتیبانی می‌کند و هرچند ممکن است هیجان ترس در فرد وجود داشته باشد.

سومین پرسش پژوهش، مقایسه اجمالی شجاعت در روان‌شناسی مثبت و منابع اسلامی است. بنا بر پژوهش حاضر، شجاعت در این دو تعریف فوق، دارای اشتراکات و تفاوت‌هایی است. اشتراک این دو تعریف: روان‌شناسی مثبت با قید «اعمال ارادی» و منابع اسلامی با قید «انگیزه مقاومت»؛ اهمیت ارادی بودن افعال شجاعانه افراد را نشان داده‌اند. از طرفی منابع اسلامی با تأکید بر «اقدام و ورود در ناملایمات» و روان‌شناسی مثبت با تأکید بر «ورود به موقعیت‌های خطرناک»؛ اشاره به این نکته دارند که رفتارهای فرد در صورتی شجاعانه تلقی می‌شود که فرد با ناملایمات و موقعیت‌های خطرناک مواجهه داشته باشد، وگرنه در موقعیت‌های عادی و خالی از خطر، همه افراد (حتی بزدل‌ها) ورود پیدا می‌کنند.

از سویی دیگر منابع اسلامی با تأکید بر «قوی بودن / توانایی روانی» و روان‌شناسی مثبت با تأکید بر «نیروی محرکه»؛ به دنبال تبیین وجود فضیلت شجاعت در انسان به‌عنوان یک توانایی روانی هستند که در مواقع ضروری و موردنیاز، رفتار شجاعانه به‌صورت خودکار توسط فرد بروز داده می‌شود.

تفاوت این دو تعریف: در تعریف منابع اسلامی سه مورد وجود دارد که فقدان آنها در تعریف روان‌شناسی مثبت از شجاعت مشاهده می‌شود؛ اول، ایستادگی و مقاومت: ایستادگی در مقابل افراد شجاع و پایداری در موقعیت‌های دشوار لازمه شجاعت است؛ مضافاً به اینکه چون فرد بر هیجانات خود (همچنین هیجانات منفی) مانند ترس مسلط است، لذا از هر چیزی نمی‌ترسد و به‌راحتی تحت تأثیر شرایط و فضای موجود قرار نمی‌گیرد؛ بنابراین می‌تواند در موقعیت‌های دشوار، پایداری و مقاومت داشته باشد.

دوم، دفاع کردن: روایات مصادیق دفاع را (همان‌گونه که

محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۸۹، *میزان‌الحکمه*، قم، دارالحدیث.

مطهری، مرتضی، ۱۳۸۷، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا.

مگیار - موئی، جینا ال، ۱۳۹۱، *فنون روان‌شناسی مثبت‌گرا: راهنمای درمانگران*، ترجمه فرید براتی‌سده، تهران، رشد.

____، ۱۳۹۲، *مدخلات روان‌شناسی مثبت‌نگر: راهنمای درمانگر*، ترجمه علی‌اکبر فروغی، جلیل اصلانی و سحر رفیعی، تهران، ارجمند.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۸۷، *شرح چهل حدیث*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

وارل، مارگی، ۱۳۹۴، *جسارت در کار و زندگی: ۱۲ راهکار برای پیداکردن جسارت در کار و زندگی*، ترجمه رضا محمودی فقیهی، تهران، چاپک‌اندیش.

Akhtar, S., 2013, *Good Stuff*, Lanham, MD, Jason Aronson.

Comte-Sponville, A., 2001, *A small treatise on the great virtues*, (C. Temerson, Trans), New York, Metropolitan Books.

Csikszentmihalyi, M., & Csikszentmihalyi, I. S. (eds.), 2006, *A life worth living: Contributions to positive psychology*, New York, NY, Oxford University Press.

Joseph, Stephen, 2015, *Positive Psychology in Practice*, Hoboken, NJ: Wiley.

Lopez, S. J., & Snyder, C. R. (eds.), 2003, *Positive psychological assessment: A handbook of models and measures*, Washington, DC, American Psychological Association.

Parks, A. C. & Schueller, M. S., 2014, *The Wiley Blackwell Handbook of Positive Psychological Interventions*, Oxford, England, Oxford University Press.

Peterson, C., & Seligman, M. E. P., 2004, *Character strengths and virtues: A handbook and classification*, Oxford, England, Oxford University Press.

Rate, C. R., Clarke, J. A., Lindsay, D. R., & Sternberg, R. J., 2007, *Implicit theories of courage*, *The Journal of Positive Psychology*, 2(2), p. 80_89.

Turnbull, J. & E All, 2010, *Oxford Advanced Learner's Dictionary of Current English*, Oxford University Press.

Yang, J. Milliren, A. P Blagen, M. T., 2009, *The psychology of courage: an adlerian handbook for healthy social living*, United States of America on acid-free paper.

منابع.....

ابن‌اثیر جزری، مبارک‌بن محمد، ۱۳۶۷، *النهاية في غريب الحديث والأثر*، ج چهارم، قم، اسماعیلیان.

ابن‌شعبه حرانی، حسن‌بن علی، ۱۳۸۲، *تحف العقول*، ترجمه احمد جنتی، تهران، امیرکبیر.

ابن‌منظور محمدبن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان‌العرب*، ج سوم، بیروت، دار صادر.

تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد، ۱۴۱۰ق، *غررالحکم و درر الکلم*، ج دوم، قم، دار‌الکتاب‌الاسلامی.

جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، *تفسیر تسنیم*، قم، اسراء.

____، ۱۳۸۹، *ادب‌فناوی مقررین*، ج چهارم، قم، اسراء.

جیلانی، عبدالقادر، ۱۴۲۶ق، *الفتح الربانی و الفیض الرحمانی*، قاهره، مکتبه الثقافة‌الدینیة.

حسینی زبیدی، محمدمرتضی، ۱۴۱۴ق، *تاج‌العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دارالفکر.

سلیگمن، مارتین‌ای. پی، ۱۳۸۹، *شادمانی‌درونی روان‌شناسی مثبت‌گرا در خدمت خوشنودی پایدار*، ترجمه مصطفی تبریزی، تهران، دانژه.

صاحب‌بن‌عباد، اسماعیل‌بن‌عباد، ۱۴۱۴ق، *المحیط فی اللغة*، بیروت، عالم‌الکتاب.

طباطبایی، سیدمحمدکاظم، ۱۳۹۰، *منطق فهم حدیث*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

طبرسی، علی‌بن‌حسن، ۱۳۷۴، *مشکاة‌الأنوار*، تحقیق عزیزالله عطاردی قوچانی، تهران، عطارد.

طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، *مجمع‌البحرین*، ج سوم، تهران، کتابفروشی مرتضوی.

طوسی، نصیرالدین، ۱۳۷۷، *اخلاق محتشمی*، تهران، دانشگاه تهران.

____، ۱۴۱۳ق، *اخلاق ناصری*، تهران، علمیه‌اسلامیه.

عسکری، حسن‌بن‌عبدالله، ۱۴۰۰ق، *الفروق فی اللغة*، بیروت، دار‌الآفاق‌الجدیدة.

فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد، ۱۴۰۹ق، *العين*، ج دوم، قم، هجرت.

فیض‌کاشانی، محمدحسن، ۱۴۰۶ق، *السوفی*، اصفهان، کتابخانه‌امام‌امیرالمؤمنین علی.

قضاعی، محمدبن‌سلامه، ۱۳۶۱، *گزیده شهاب‌الخبار*، تهران، علمی و فرهنگی.

کلینی، محمدبن‌یعقوب، ۱۴۰۷ق، *اصول کافی*، تهران، دار‌الکتب‌الاسلامیه.

____، ۱۳۷۵، *اصول کافی*، تحقیق محمدباقر کمره‌ای، ج سوم، قم، اسوه.

____، ۱۴۲۹ق، *الکافی*، قم، دار‌الحدیث.

لیثی‌واسطی، علی‌بن‌محمد، ۱۳۷۶، *عیون‌الحکم و المواعظ*، قم، دارالحدیث.

مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحارالانوار*، ج دوم، بیروت، دار‌احیاء‌التراث‌العربی.

محدث‌نوری، حسین، ۱۴۰۸ق، *مستدرک‌الوسائل و مستنبط‌المسائل*، بیروت، مؤسسه‌آل‌البيت.